

درآمد: شعری از مجله ی ارمغان برای عید نوروز. ۱۳۰۵ ش

مجله ارمغان – طهران

تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۵

خدایگان جانان کشور سخنا

دو سال رفت که مرسوم ارمغان نرسید / وظیفه گر برسد مصرفش گلست و نبید
 گل و نبید حدیث زمان پیشین بود / که داشت خواجه مهیا هر آنکه داشت سپید
 به روزگار کنونی نبید و گل عنقااست / بر اهل فضل که بشنید گوش و دیده ندید
 از اوستاد سخن "افسر" این حکایت پرس / که بیش و کم بودش آگهی ز حال وحید
 دو ساله مرسوم ایدون که عید نوروز است / اگر به رسم قدیم از خدیو فضل رسید
 خدا گواست که مصرف به غیر کاغذ و طبع / نداشته است و ندارد ز هر سیاه و سپید
 بجرم آنکه بگلزار من هزارم و بس / کدام خال ملامت که بر دلم نخلید
 به این گناه که عزلت گزیدم از اغیار / کدام یار که مانند عقربم نگزید
 ندیده گوید ای خواجه خواجه می گوید / نسیم لطف و عنایت در این چمن نوزید

پانوشت: این شعر، تضمینی است بر غزلی از حافظ.

افسر: اشاره به شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر سبزواری، شاعر مشروطه خواه دارد.